

**The Strengths and Weaknesses of the New Correction of the  
*Translation of the Ghoshirieh Treatise,*  
Published by Sokhan Publication**

Alireza Hajianejad\*

**Abstract**

Shortly after the Ghoshirieh treatise was written, it was first translated into Persian by Abu Ali bin Ahmad Osmani for the use of Farsi language speakers, and after a while, the translation was modified or provided with another version. With the help of the Arabic text and based on the manuscripts of Süleymaniye Library\_Lala İsmail and British Museum, Badiozzaman Forouzanfar corrected this book for the first time in 1966. The educational aspects of the book and the emergence of some inadvertences prompted others to provide a further correction of the Arabic original and its Persian translation. Just like and after Mohebbati, Rowzatian and Mirbaqerifard believe that Forouzanfar has made a methodological mistake in his work by comparing two versions of a translation, both of which have been conducted by one translator. Based on the manuscript in the Hagia Sophia museum and by checking it with the manuscript available in the British Museum, they have corrected the Ghoshirieh treatise. Low-false suitable typography and several indexes are the main advantages of this manuscript. The weak aspects of its suspicions, neglecting the introduction of the sources of Arabic distiches and the Arabic text of the work are among the disadvantages of the manuscript besides neglecting its comparison with the Forouzanfar's manuscript.

**Keywords:** Translation of the Ghoshirieh Treatise, Criticism of Text Correction, Abolqasem Ghoshiri, Abu Ali Osmani.

---

\* Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran, Iran, hajiannjd@ut.ac.ir

Date received: 2019-11-14, Date of acceptance: 2020-04-21

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## قوت و ضعف تصحیح جدید ترجمه رساله قشیریه

علیرضا حاجیان‌نژاد\*

### چکیده

رساله قشیریه اندکی پس از تألیف برای استفاده فارسی‌زبانان نخست به‌دست ابوعلی بن احمد عثمانی ترجمه شد و پس از آن ترجمه یادشده اصلاح شد یا ترجمه‌ای دیگر از رساله قشیریه فراهم گردید. برای نخستین‌بار فروزانفر در سال ۱۳۴۵ این کتاب را براساس نسخه کتاب‌خانه لالا اسماعیل و نسخه موزه بریتانیا و با استفاده از متن عربی تصحیح کرد. آموزشی‌بودن کتاب و برخی سهوها دیگران را برانگیخت تا تصحیح دیگری از اصل عربی و از ترجمه فارسی آن ارائه دهند. روضاتیان و میرباقری‌فرد پس از محبتی معتقدند فروزانفر دچار خلط روش در تصحیح شد و در کار خود دو نسخه‌ای را با هم سنجید که از یک مترجم نبود. آن‌ها با اساس قراردادن نسخه ایاصوفیه و مقابله آن با نسخه موزه بریتانیا رساله قشیریه را تصحیح کردند. صفحه‌آرایی خوب و کم‌غلط و فهراس متعدد از امتیازهای این چاپ است. ضعف جنبه تحلیلی تعلیقات، معرفی نکردن برخی منابع ابیات و مصاریع عربی، بی‌توجهی به متن عربی کتاب، و مقایسه‌نکردن این چاپ با چاپ فروزانفر از ضعف‌های این چاپ است.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه رساله قشیریه، نقد تصحیح متون، ابوالقاسم قشیری، ابوعلی عثمانی.

### ۱. مقدمه

بیش‌تر تصنیف‌های اولیه در موضوع تصوف و عرفان اسلامی به زبان عربی است. اگرچه اغلب صوفیان نخستین عرب‌زبان نبودند، ولی بیش‌تر آن‌ها به زبان عربی می‌نوشتند.

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، hajiannjd@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲

نخستین تلاش‌ها برای تدوین اندیشه‌های صوفیانه کتاب‌های الزهد است که تاکنون بیش از چهارده کتاب الزهد چاپ شده است.

جنبه تعلیمی رساله قشیریه، همان‌طور که مؤلف اظهار می‌دارد، غالب است و برای صوفیان محافظه‌کار و متشرع به‌منزله کتابی بالینی (هندبوک) است که همواره به آن رجوع کنند و در زمره کتاب‌های کاربردی صوفیان بوده است. وجود نسخه‌های متعدد از رساله قشیریه حاکی از توجه زیاد صوفیان به این کتاب است. با نگاهی به مقدمه کتاب *الرساله القشیریه* چاپ دارالمنهاج للنشر و التوزیع با احتساب نسخه بغداد و نسخه حوزة علمیه اردکان یزد (فاکسیمیله در ایران) تعداد نسخه‌های معروف قابل‌مراجعه رساله قشیریه بیش از پانزده نسخه معتبر است. در مقدمه ترجمه رساله قشیریه نسخه‌های فارسی این کتاب هم معرفی شده است.

## ۲. چاپ‌های مختلف ترجمه رساله قشیریه

از ترجمه رساله قشیریه در ایران در حال حاضر چهار و به بیان دقیق‌تر سه چاپ در دست است.

۱. قدیم‌ترین و تا اندکی قبل از این تنها تصحیح از ترجمه رساله قشیریه تصحیح فروزانفر بود که نخستین بار بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۴۵ آن را چاپ کرد و پس از آن در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی به‌طور مکرر تجدیدچاپ شد. فروزانفر در مقدمه‌ای در ۸۴ صفحه قشیری را، اعم از احوال و آثار او، معرفی کرده است.

۲. دومین چاپ از رساله قشیریه در حقیقت همان چاپ بنگاه ترجمه و نشر و تصحیح فروزانفر است که انتشارات زوار آن را نخستین بار در سال ۱۳۸۷ چاپ کرد و به بازار کتاب عرضه کرد.

ترجمه رساله قشیریه چاپ انتشارات زوار ویراسته ایرج بهرامی است که علاوه‌بر تغییر حروف چینی، واژگان هم دچار تصحیف شده‌اند. مثلاً، حرف «کی» در چاپ فروزانفر، که از نشانه‌های سبکی است و ارزش تاریخی دارد، به «که» بدل شده است (قشیری ۱۳۸۷: ۷۹). برخی حروف اضافه که در چاپ فروزانفر با متمم خود متصل نوشته شده بود منفک شده است، تقریباً در تمامی صفحه‌ها «ازین» به «از این» تبدیل شده و «شدرستناهایی» از این قبیل در چاپ زوار کم نیست. بنابراین، ترجمه رساله قشیریه چاپ زوار را نباید چاپ جدیدی از ترجمه رساله قشیریه تلقی کرد.

قوت و ضعف تصحیح جدید ترجمه رساله قشیریه (علیرضا حاجیان نژاد) ۱۰۷

ترجمه رساله قشیریه چاپ زوار دو امتیاز خاص دارد که نباید از آن غافل بود:  
الف) شرح حال مفصل بدیع الزمان فروزانفر که احمد مهدوی دامغانی در ۵۱ صفحه نوشته است و حاوی نکات بدیع و جالب توجه است. یادداشت‌های مهدوی دامغانی درباره استاد خود، که از بارزترین استادان ادبیات بود، بسیار مغتنم است.

ب) نکته دوم، که از جهتی بسیار مهم تر است، مآخذ ابیات عربی ترجمه رساله قشیریه است. کار مآخذ ابیات عربی ترجمه رساله قشیریه را مهدوی دامغانی به درخواست فروزانفر در همان سال ۱۳۴۴ انجام داد، ولی فروزانفر مستند اشعار ترجمه رساله قشیریه را در چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب نیاورد و در صفحه ۷۹ مقدمه وعده داد که حاصل زحمت مهدوی دامغانی به صورت جداگانه چاپ شود (قشیری ۱۳۸۷: ۷۴۷). افسوس! برخی از آن یادداشت‌ها مفقود شدند و امکان بازیافت مجدد مستندات تمامی ابیات عربی ترجمه رساله قشیریه برای مهدوی دامغانی فراهم نگردید.

پ) چاپ سوم ترجمه رساله قشیریه تصحیح مهدی محبتی است که به همت انتشارات هرمس در سال ۱۳۹۱ چاپ شد و روانه بازار گردید.

درباره این تصحیح و چاپ از ترجمه رساله قشیریه سیده مریم روضاتیان مصحح ترجمه رساله قشیریه چاپ انتشارات سخن در مجله متن شناسی ادب فارسی در صفحه‌های ۸۷ تا ۹۶ به ویژه از صفحه ۹۰ به بعد به اندازه کافی سخن گفته‌اند (روضاتیان ۱۳۹۲).

ت) چاپ چهارم ترجمه رساله قشیریه را انتشارات سخن با تصحیح سیده مریم روضاتیان و سیدعلی اصغر میرباقری فرد در سال ۱۳۹۶ به بازار کتاب عرضه کرد.

### ۳. ترجمه رساله قشیریه چاپ نشر سخن و ضعف و قوت آن

اثر یادشده دوازدهمین کتاب از مجموعه تحقیقات عرفانی و در قطع وزیری است و مقدمه‌ای ۵۶ صفحه‌ای دارد. متن و تعلیقات و فهرس و منابع و مآخذ کتاب ۸۹۳ صفحه است. شکل ظاهری کتاب مطلوب است و شکل حروف چینی آن دقیق است. آراستگی صفحه‌های کتاب متناسب با کتاب‌های دانشگاهی است. سرمدخل‌ها و زیرمدخل‌ها و بندهایی از کتاب که در مقدمه برای تبیین دیدگاه‌های مصححان درباره کتاب و مؤلف، و ... آمده است با تفاوت شماره قلم متمایزند. شماره حروف کلماتی که در مقدمه به علت اهمیت یا موارد دیگر باید به چشم بیایند متمایز و معمولاً بزرگ تر است. مصححان از صفحه اول و آخر دو نسخه دست‌نویست که تصحیح یادشده بر آن استوار است، تصویری

ارائه کرده‌اند. در صفحه ۴۸ مقدمه تفاوت ضبط برخی واژگان دو نسخه از نسخه‌های ترجمه رساله قشیریه یعنی نسخه موزه بریتانیا و نسخه کتاب‌خانه ایاصوفیه در جدول برجسته شده است.

برای سهولت دست‌رسی به مطالب کتاب در نسخه خطی در این چاپ شماره برگ نسخه خطی اساس داخل [...] آمده و آیات قرآنی داخل پرانتز گل‌دار است و شماره قلم آیات قرآنی با قلم متن تمایز دارد. پایان آیات هم با ستاره مشخص شده و نام سوره و شماره آیه داخل [...] در متن است. اگرچه این شیوه در کارهای دانشگاهی کمابیش رایج است، ولی از نظر شکل برای خواننده عادی بهتر است نام و شماره سوره و آیه در پاورقی بیاید. صفحه‌های ۶۲۱ تا ۶۹۴ تعلیقات کتاب است که به‌طور عمده اعلام را معرفی می‌کند. این معرفی‌ها بسیار کوتاه و مجمل است و کم‌تر جنبه انتقادی دارد، درعین‌حال برای هریک از اعلام، منابع مهم و بیش‌تر عربی و درجه‌یک معرفی شده و منابع فارسی چندان موردتوجه قرار نگرفته است.

به‌نظر می‌رسد که مصححان در معرفی اعلام از منابع الکترونیکی و لوح‌های فشرده و نرم‌افزارهای متعدد بهره برده‌اند که در فهرست منابع و مأخذ مقدمه کتاب یا جای دیگر به این نکته اشاره نشده است. به‌جز معرفی اعلام بخش دیگری از تعلیقات هم به معرفی منابع اشعار عربی ترجمه رساله قشیریه اختصاص یافته است. در معرفی منابع اشعار عربی همانند معرفی اعلام برای یک بیت شعر عربی، منابع متعدد و نشانی‌های متنوع داده شده که جنبه انتقادی ندارد، یعنی برای یک بیت شعر چندین منبع و مأخذ معرفی می‌شود، ولی تبیین نمی‌شود که ضبط شعر موردنظر در تمامی منابعی که معرفی شده است مطابق با ضبط متن ترجمه رساله قشیریه، یعنی متن مصحح است یا نه. این کار بسیار مغتنم و ارزش‌مند است، چون می‌تواند افق‌های دیگری پیش‌روی مصحح یا خواننده باز کند. مثلاً، برخی از منابع کمکی ممکن است ضبط اصیل‌تری را در مقایسه با ضبط نسخه ارائه دهند یا برعکس ممکن است به‌علت قدمت و اصالت نسخه اساس اییاتی از دیوان شاعران را دوباره بازنگری و تصحیح کنند و ضبط بهتری ارائه دهند و به‌کمک آن بتوان به قدمت و اصالت نسخه از نظر زمان و ... دست یافت و به دقت نویسنده و کاتب و مترجم رساله قشیریه و منابعی که در اختیار داشته و از آن در تدوین کتاب بهره می‌برده یا به نحوه استفاده از منابعی که به آن مراجعه می‌کرده، پی برد. باتوجه‌به این‌که تاریخ تألیف متن اصلی رساله قشیریه طبق اظهار مؤلف و براساس قدیم‌ترین نسخه موجود، نسخه بغداد، مورخ ۴۳۷ هجری است، احتمالاً شاعر تمامی اشعار عربی‌ای که در متن وجود دارد قبل از این تاریخ زندگی

کرده است. مطالعات و اشاراتی از این نوع در تمامی ترجمه رساله قشیری چندین چشم گیر نیست. اشعار عربی ترجمه رساله قشیری در ۹۹ موضع آمده است. از این ابیات سه بیت شعر دو بار و یک بیت شعر سه بار تکرار شده‌اند. تعدادی ابیات عربی در متن ترجمه رساله قشیری وجود دارد که به اندازه کافی شهرت لازم و کافی دارند و حتی در منابع فارسی هم می‌شود آن‌ها را مشاهده کرد که در تعلیقات معرفی شاعر یا معرفی منابع آن از قلم مصحح ساقط شده است. مثلاً، شعر معروف:

بکت عینی غداة البین دمعاً دمعاً      و آخری بالبکاء بخلت علينا علينا  
فعاقت ألتی بخلت بدمع      بأن بان غمضتها يوم التقينا

(قشیری ۱۳۹۶ الف: ۴۹۵)

در تفسیر عرفانی کشف الاسرار و عدة الابرار جلد یک صفحه ۲۵۴ به همین شکل آمده و علاوه بر آن، شعر به فارسی هم ترجمه شده است.

یک چشم من از فراق یارم بگریست      چشم دگرم بخیل گشت و نگریست  
چون روز وصال شد جزایش کردم      گفتم نگرستی و نباید نگریست

(رضایتی ۱۳۸۴: ۸۷)

وعین الروعین الرضا عن کل عیب کلیلةً      ولکن و عین السخط تبدی المساویا

این بیت به اندازه کافی معروف است، ولی در تعلیقات هیچ اشاره‌ای به شاعر یا مأخذ این شعر نشده است. این بیت از امام شافعی است و مطلع سروده‌ای است در چهار بیت. اشاره به این نکته که مؤلف کتاب، یعنی ابوالقاسم قشیری، شافعی مذهب است و از امام شافعی در اثر خود شعر اقتباس کرده است، می‌تواند نکته‌ای درخور توجه برای خواننده باشد. بخش دیگر تعلیقات کتاب اعلام و منابع و مأخذ اشعار را معرفی کرده است. در متون صوفیه، فارغ از دشواری مفاهیم که نیاز به توضیح دارد، به خصوص در عرفان خراسان، که هنوز فاقد اصطلاح‌سازی به شیوه ابن عربی است، بدون اشراف به زبان پی‌بردن به حقیقت مفاهیم عرفانی کاری دشوار است. گاهی ممکن است معنی قاموسی واژه چندین دشوار نباشد، ولی پی‌بردن به مفهوم و معنای مورد نظر به سادگی امکان‌پذیر نباشد. بررسی مطالبی از این دست از اصلی‌ترین ضروریات تصحیح متن است که مغفول مانده است. برای روشن‌تر شدن مطلب به یک نمونه اشاره می‌کنیم: «خراز حکایت کند که علی بن الموفق را دیدم در سماع می‌گفت: مرا بر پای گیرید. وی را بر پای گرفتم. گفت: مرا آن شیخ زبانم

گویند» (قشیری ۱۳۹۶ الف: ۵۲۵). بخش پایانی عبارت، با آن‌که واژه دشواری نیست، مفهوم «شیخ زبان» روشن نیست. متن عربی چنین است: «يقول: أقيموني، فأقاموه، فقام و تواجد، ثم قال: أنا الشيخ «الزفان» (قشیری ۱۴۲۳ ق: ۵۱۳؛ قشیری ۱۳۹۱: ۴۲۴؛ قشیری ۱۳۹۲: ۴۴۴؛ قشیری ۱۴۳۸ ق: ۲۹۳).

عبدالحلیم محمود و محبتی «الزفان» را داخل گیومه قرار داده‌اند. شرفاوی آورده «كذا فی» «اللمع» (قشیری ۱۴۳۸ ق: ۳۶۳) والزفان: السریع الخفیف. فروزانفر براساس متن «زفان» را پای‌کوب و رقااص معنی کرده است (قشیری ۱۳۶۷: ۲۱۵).

در ارجاع تعلیقات به شماره صفحه کتاب، شماره صفحه در تعلیقات تا صفحه ۲۷۰ درست است، ولی از آن‌پس تا آخر تعلیقات شماره صفحه در تعلیقات برابر با متن نیست.

فهرست اشعار ترجمه رساله قشیری در نمایه اشعار الفبایی شده است و در مجموع، براساس این فهرست ۱۲۱ بیت شعر عربی در این تصحیح و چاپ وجود دارد. متأسفانه، فهرست اشعار دقیق و کامل نیست، تعداد ابیات و مصراع‌های عربی در متن عربی *الرساله القشیریة* چاپ هرمس، که براساس نسخه بغداد تصحیح شده است، ۲۰۱ بیت و مصراع و در تصحیح فروزانفر ۲۰۴ بیت و مصراع، و شمار ابیات و مصراع‌های عربی در *الرساله القشیریة* چاپ دارالمنهاج عربستان ۲۷۱ بیت است (این چاپ براساس نسخه بغداد تصحیح نشده است). بنابراین، شمار ابیات در نمایه اشعار عربی با ابیات عربی موجود در چاپ سخن هم ناهماهنگ است. شمار ابیات عربی در متن ترجمه رساله قشیریة چاپ سخن قریب به دویست بیت است. یعنی حدود هشتاد بیت از ابیات عربی موجود در متن ترجمه رساله قشیریة در نمایه اشعار عربی فهرست نشده است.

مصححان محترم ترجمه رساله قشیریة از فهرست کردن مصراع‌های عربی مستقل موجود در مطاوی کتاب هم چشم‌پوشی کرده‌اند یا در موزون‌بودن و موزون‌نبودن آن تردید کرده‌اند. مثلاً، در صفحه ۱۲۰ کتاب این مصراع آمده است: «جعلت تنزهی نظری الیکا» فارغ از وزن عروضی، از قضا شاهد روشنی بر شعر بودن و موزون‌بودن آن در متن وجود دارد. عبارت متن چنین است: «از استاد بوعلی شنیدم که قوال پیش استاد بوسهل صعلوکی این‌بگفت». واژه «قوال» و «بگفت» هر دو بر موزون‌بودن و شعر بودن عبارت دلالت دارد.

در طراحی صفحه‌های کتاب هم مصراع‌ها وسط‌چین نشده‌اند و این احتمالاً ناشی از بدخوانی و به حساب‌نیاموردن مصراع در شعر است، درحالی‌که اگر مصراع‌های مجزا را در متن شعر به حساب بیاوریم و در شکل صفحه‌آرایی هم آن‌ها را وسط‌چین کنیم، نه چنان‌که



مصححان پیشین چون قزوینی در جهانگشا و ... کرده‌اند، شکل ظاهری صفحه چشم‌نوازتر و خواندن آن برای خواننده آسان‌تر خواهد بود.

در صفحه ۱۳۴ ترجمه رساله قشیریه هم این اتفاق تکرار شده است: «لوامع پیداتر بود از لویح و زوالش بدان زودی نباشد، در وقت بیش‌تر بماند، ولیکن چنان بود که گفته‌اند: والعین باکیته لم تُشبع النظر». عبارت عربی مصراع‌ی است موزون و مستقل که فارغ از وزن عروضی هم چنان واژه «گفته‌اند» می‌تواند دالی بر شعر بودن آن باشد، در مواردی این‌گونه فارغ از وسط‌چین کردن مصراع اگر مصحح اشاره‌ای به دیگر مصراع بیت کند، بسیار مفید است و مسائل دیگری هم روشن خواهد شد که مضمون و موضوع اصلی شعر چه بوده و غرض شاعر چه و چگونه مؤلف صوفی، چنان‌که رسم همگی آن‌هاست، شعر را از غرض اصلی تهی کرده و برای منظور خاص خود به خدمت گرفته است؟

برخورد مصححان درباره مصراع‌ها در تمامی متن یک‌سان نیست، یعنی گاهی مصراع شعر در این تصحیح مستقل به حساب آمده است و از نظر شکل هم وسط‌چین شده است. مثلاً، در صفحه ۵۰۸ مصراع سوم شعری از رجز جمیل بئینه که «حدا» بوده، تفکیک و وسط‌چین شده است: «و تقطعی حبلی و تهجرینی» که شیوه مطلوب و درست است.

فهرست نمایه‌های کتاب بسیار مفصل و مغتنم است و از امتیازهای این تصحیح است. فهرست شماره سه، دعاها، ترکیب‌ها، و عبارت‌های عربی است. اکثر این فهرست جمله‌های معترضه پس از اسامی و اعلام است، مانند تعالی، رضی الله، سبحانه و تعالی، علیه‌السلام، و ... در این فهرست عبارت «بک أحمیا و بک أموت» که در صفحه ۲۸۶ متن آمده، جزو عبارت‌های دعایی فهرست شده است. عبارت یادشده جمله دعایی نیست. آنچه در متن ترجمه رساله قشیریه آمده چنین است:

ابوالقاسم حکیم گوید که در این آیت که حق — جل و علا — می‌گوید: «واصبر و ما صبرک الا بالله» و اصبر امر است به عبادت، و ما صبرک الا بالله عبودیت است، و پیغامبر گفت صلی الله علیه و سلم: بک أحمیا و بک أموت، زندگانی و مرگ من به تو است.

ملاحظه می‌کنیم که این عبارت به هیچ‌وجه عبارت دعایی نیست. فرمایش حضرت رسول (ص) خطاب به حضرت پروردگار است و از نظر چینش ظاهری متن هم بهتر است این عبارت در ادامه عبارت قبلی نباشد، چون موضوع عوض می‌شود. در صفحه «سه» مقدمه، مصححان از مهرنوش بیات برای فراهم آوردن تعلیقات تشکر کرده‌اند، ولی میزان سهم نام‌برده در تدوین تعلیقات مشخص نیست که چه بخشی از تعلیقات فراهم آورده

ایشان است. چنان‌که پیش‌تر گفتیم، به‌نظر می‌رسد که بخش قابل‌توجهی از تعلیقات کار مکانیکی است و جنبه انتقادی و نوآوری آن ضعیف است.

در فهرست مفصل نمایه‌های کتاب حکایت‌های موجود در ترجمه رساله قشیریه به‌طور دقیق فهرست شده است که در مجموع ۴۷۴ حکایت است. به‌کمک این فهرست چنان‌چه محققى بخواهد به حکایت‌های موجود در کتاب دست یابد، به‌سادگی می‌تواند در کم‌ترین زمان ممکن حکایت موردنظر را بیابد. این فهرست و دیگر فهرست‌های کتاب در مواقع و مواضع مختلف بسیار راه‌گشاست. مصححان در صفحه ۹۱ مقاله «ماجرای تصحیح ترجمه رساله قشیریه» گفته‌اند: «مطالب باب توبه در ترجمه رساله قشیریه با شرح تعرف مرتبط هست و به کشف‌المحجوب هم راه یافته است. میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری یا به‌اصطلاح بینامتنیت در این نوع آثار بسیار مهم و درخور توجه است، چون به‌کمک این نوشته‌ها میزان نوآوری مؤلف و دست‌یابی و مراجعه‌ی وی به منابع کهن‌تر و ... تبیین می‌شود». در مقدمه، حواشی صفحه‌ها، یا تعلیقات ترجمه رساله قشیریه به تأثیر این اثر هیچ اشاره‌ای نشده است. برجسته‌کردن این کار به‌ویژه در حکایت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود که از مجموع ۴۷۴ حکایت موجود در ترجمه رساله قشیریه کدام حکایت از ذهن و خاطر قشیری برآمده یا او از کتاب دیگری اقتباس کرده یا اگر از کتاب دیگری اقتباس کرده، نحوه روایت او با منابع قبلی چه تفاوت‌هایی دارد یا حتی احتمالاً این حکایت در آثار بعد از قشیری چگونه منعکس شده است. مثلاً، بازتاب بسیاری از این حکایت‌ها را در بوستان سعدی می‌شود جست.

از دیگر فهرست‌های کتاب فهرست اصطلاحات است. در این فهرست مهم که فهرست مفصلی است، بسیاری از واژگان در فهرست یادشده اصطلاح نیستند. مثلاً، آفت بنده، ادب گرسنگی، و ... در ترکیب اخیر ادب جزو اصطلاحات صوفیه است. در چنین مواردی بهتر است که فهرست‌نگار «ادب» را مدخل کند و در تکرار مضاف را حذف کند یا با نشانه‌ای از تکرار آن خودداری کند و مضاف‌الیه را بیاورد. مثلاً، «ادب نفس» (قشیری ۱۳۹۶ الف: ۱۵۰)؛ ~ باطن .... حضور، یا «بازپس‌افکندن» (= ترک‌کردن، رهاساختن) «متابعت کردن هوا» و ~ سنت رسول (ص) یعنی متابعت سنت رسول. تفصیل این فهرست برای پژوهش‌گر بسیار مفید و مغتنم است. مصححان محترم علاوه‌بر نمایه اصطلاحات، نمایه لغات و ترکیبات را هم جداگانه آورده‌اند. در این بخش به معانی واژه‌ها و گاهی ساختار ترکیب، مانند میغ حظ (اضافه تشبیهی) توجه شده است (همان: ۱۳۴). ترکیب‌های عطفی کتاب هم مانند احرار و ابرار، هوا و قدرت و ... جداگانه فهرست شده است. فهرست اعلام کتاب هم فراموش

نشده است. نمایه فهرست اعلام گاهی با متن تطابق ندارد. مثلاً، «حصاص» در صفحه ۵۶۹ ضبط متن هست، در حالی که در صفحه ۶۹۲ یعنی در فهرست اعلام، «حصاص» بدون نقطه ثبت شده است. به نظر می‌رسد که این سهو ناشی از تهیه فهرست به کمک دست باشد، در حالی که اگر این فهرس به کمک رایانه فراهم شود، امکان این‌گونه لغزش‌ها به صفر می‌رسد.

اسامی کتاب‌ها، مکان‌ها، حیوان‌ها، میوه‌ها، معدود و عدد، عدد و معدود، و علاوه‌بر همه این‌ها که برای پژوهش‌گر مغتنم است، چندان ضروری نمی‌نماید، چون باعث افزودن حجم کتاب شده است. در مجموع، کتاب ترجمه رساله قشیریه نشر سخن شانزده نمایه یا فهرست دارد.

تصحیح و احیای میراث مکتوب از مهم‌ترین و دشوارترین شاخه‌های پژوهش متون است که محقق به کمک ابزارهای مختلف و با استعانت از دانش‌های لازم می‌کوشد متن را منقح کند و تا حد امکان آنچه را از قلم مؤلف برآمده در اختیار خواننده قرار دهد و به‌زعم رمضان عبدالتواب که گفته است:

و لقد ظنَّ بعضُ ادعياء العلم أنَّ تحقيق النصوص و نشرها عملٌ هينٌ سهلٌ، و كان لكثرة الدخلاء على هذا الفن أثرٌ في حكمهم هذا و ما درى هؤلاء أنَّ المحقق الأمين قد يقضى ليلةً كاملةً في تصحيح كلمة أو إقامة عبارة أو تخریج بيتٍ من الشعر أو البحث عن علمٍ من الأعلام في كتب التراجم و الطبقات (ابن الانباری ۱۹۷۰: ۳-۴).

یک متن مصحح دست‌کم از چهار بخش تشکیل می‌شود (دربارۀ مراحل و شیوه‌های تصحیح در انواع نگارش‌های فارسی، بنگرید به مایل هروی ۱۳۶۹: ۲۷۰ به بعد):

۱. مقدمه که شامل شرح احوال و آثار و افکار و زندگی و استادان و شاگردان مؤلف، تأثیر و تأثر اثر تصحیح‌شده، جایگاه اثر در حوزه آثار مرتبط، میزان اصالت اثر، ویژگی‌های نسخه‌های مورد استفاده، شیوه تصحیح، و ... است؛

۲. متن مقابله‌شده با نسخه‌های مورد استفاده که تمامی نسخه‌بدل‌ها را در اختیار خواننده قرار دهد؛

۳. تعلیقات متن که شامل حل مشکلات لغوی، معرفی اعلام، مآخذ ابیات، و ... است؛

۴. فهرس متعدد.

متن مصحح وقتی دوباره تصحیح می‌شود طبعاً باید دلیل تصحیح جدید هم تبیین شود و به‌طور منطقی در مقایسه با تصحیح‌های پیشین از امتیاز خاصی مانند نسخه جدید،

تعلیقات بیش‌تر، مقدمه متقن‌تر، و ... برخوردار باشد. چنان‌که گذشت، ترجمه رساله قشیریه را نخستین‌بار بدیع‌الزمان فروزانفر در سال ۱۳۴۵ تصحیح کرد و بنگاه ترجمه و نشر کتاب آن را چاپ کرد. فضل و دانش فروزانفر بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اما تصحیح او از ترجمه رساله قشیریه کاستی‌هایی داشت که محققان دیگر را برانگیخت تا متنی منقح‌تر از تصحیح ترجمه رساله قشیریه ارائه دهند. درمورد کاستی‌های تصحیح فروزانفر و محبتی (تصحیحی دیگر از ترجمه رساله قشیریه) چنان‌که گذشت سخن گفته شد. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین دلیلی که مصححان ترجمه رساله قشیریه را در نشر سخن برانگیخته تا از این کتاب تصحیحی دیگر ارائه دهند، ایراد روش‌شناختی‌ای است که در کار فروزانفر رخ داده بود، وگرنه نسخه‌ای جدید از ترجمه رساله قشیریه به‌دست نیامده است و نسخه‌هایی که مصححان ترجمه رساله قشیریه در نشر سخن در مقدمه اثر معرفی کرده‌اند همان نسخه‌هایی است که پیش‌تر شناخته و معرفی شده بود.

فروزانفر پس از معرفی نسخه‌های در دست و شناخته‌شده ترجمه رساله قشیریه نسخه کتاب‌خانه لالا اسماعیل را به شماره ۱۲۰ نسخه اساس قرار داد و آن را با نسخه موزه بریتانیا به شماره ۴۱۱۸ or که آن را عمر قزوینی در پنجم ذی‌الحجه سال ۶۰۱ در بغداد کتابت کرده، مقابله و تصحیح کرد و برای این‌که متن ترجمه رساله قشیریه به متن عربی آن نزدیک‌تر باشد، از متن عربی رساله قشیریه چاپ مصر مطبوعه مقدم و شرح زکریا طبع بولاق ۱۲۹۱ و شرح گیسو درازطبع حیدرآباد دکن کمک گرفت. نسخه نفیس کتاب‌خانه موزه بغداد هم در میانه کار به دستش رسید و از صفحه ۲۷۳ به بعد از آن بهره گرفت (قشیری ۱۳۶۷: ۷۸). دلیل اساس قرارگرفتن نسخه کتاب‌خانه لالا اسماعیل در نظر فروزانفر قدمت آن بود. در نظر او، کتابت نسخه کتاب‌خانه لالا اسماعیل براساس قرائن و املا در نیمه دوم قرن ششم یا نیمه اول قرن هفتم است (همان: ۷۶). او برای اثبات مدعای خود فقط اشاره کرد که در این نسخه همه جا «ب»، «پ»، «ج»، «چ»، «ز»، و «ژ» با یک نقطه و «جی» و «کی» به جای «چه» و «که» و بیش‌تر «که چون» به صورت «کچون» نوشته شده است (همان: ۷۹).

روضاتیان نسخه کتاب‌خانه لالا اسماعیل را، که متأسفانه فاقد تاریخ کتابت است، شبیه نسخه‌های بعد از قرن نهم به حساب آورده است (قشیری ۱۳۹۶ الف: ۴۸). او برای اثبات مدعای خود و رد کردن ادعای فروزانفر هیچ استدلالی نیاورده است، درحالی‌که ضروری است برای خواننده روشن و تبیین شود چرا نظر فروزانفر درباره تاریخ تقریبی کتاب‌خانه لالا اسماعیل مردود است. ایشان در مقاله‌ای از اهمیت نسخه ایاصوفیه، نسخه اساس در تصحیح خودشان، سخن گفته‌اند (روضاتیان و میرباقری فرد ۱۳۹۶: ۱-۱۰).

در نگاهی اجمالی و بررسی‌ای شتاب‌زده هم می‌توان فهمید که تفاوت نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل و نسخه ایاصوفیه بسیار فراتر از تفاوت نسخه‌بدل‌هاست. این تفاوت‌ها در مفردات و ساخت‌های ترکیبی و نحو جمله کاملاً آشکار است (برای نمونه، بنگرید به قشیری ۱۳۶۷: ۶۸۰-۶۸۱؛ قشیری ۱۳۹۶ الف: ۵۶۸-۵۶۹). خلاصه این بحث در مقدمه ترجمه رساله قشیریه در نشر سخن واضح است، اگرچه مصححان در مقاله‌هایی جداگانه آن را بررسی کرده‌اند.

در صفحه ۳۵ مقدمه ذیل عنوان «ترجمه رساله قشیریه» پس از این‌که از در دست‌بودن دو نسخه از ترجمه ابوعلی عثمانی سخن به میان می‌آید، به این مطلب توجه داده می‌شود ولی به علت رعایت نکردن پاراگراف‌بندی این موضوع مهم چندان برجسته نشده است. مراد از دو نسخه از ترجمه ابوعلی عثمانی یکی نسخه موزه بریتانیاست (همان نسخه سقیم که به کرمان رسیده بود) و چنان‌که مصححان فروزانفر و روضاتیان اظهار داشته‌اند اغلاط و افتادگی‌های بسیار دارد و نسخه دوم همان نسخه کتاب‌خانه ایاصوفیه است. توجه به این مطلب که دو نسخه یادشده ترجمه واحدی هستند یا نه اگر با شواهد و نمونه‌های بیش‌تر در مقدمه مطرح می‌شد برای تبیین خطای روش‌شناختی فروزانفر مفیدتر بود تا به روشنی مشخص شود که نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل ترجمه‌ای غیر از ترجمه ابوعلی عثمانی است. قرائتی هم در نسخه لالاسماعیل هست که ثابت می‌کند این نسخه به قدیم‌ترین نسخه عربی رساله قشیریه در مقایسه با نسخه ایاصوفیه نزدیک‌تر است. مثلاً، مصرع «فمنهم صغیر و منهم کبیر» در تمامی چاپ‌های عربی رساله قشیریه آمده است (قشیری ۱۴۳۸ ق: ۴۵۷-۴۷۷، ۷۲۷؛ قشیری ۱۴۳۳ ق: ۵۴۸). این مصرع در چاپ روضاتیان در باب ۵۲ «اندر اثبات کرامات» در صفحه ۵۶۶ نیست.

ایراد روش‌شناختی فروزانفر در تصحیح متن ترجمه رساله قشیریه به‌زعم روضاتیان و میرباقری‌فرد ناشی از خلط دو ترجمه است، یعنی فروزانفر نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل را نسخه اساس قرار داد و آن را با نسخه کتاب‌خانه موزه بریتانیا مقابله کرد. در نظر روضاتیان و همکارش، نسخه کتاب‌خانه موزه بریتانیا یک ترجمه از رساله قشیریه است و نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل ترجمه دیگری از آن کتاب. بنابراین، در نظر روضاتیان و همکارش، فروزانفر دو ترجمه متفاوت از دو مترجم جداگانه را با هم سنجید و به‌بیان واضح‌تر، چنین باید گفت که ترجمه رساله قشیریه که فروزانفر تصحیح کرد ترجمه ابوعلی عثمانی نیست و از مترجمی دیگر است. این ترجمه دوم یا اصلاح ترجمه نخستین که ظاهراً در کرمان صورت پذیرفت، حاصل درخواست شیخ الشیوخ احمد بن محمد پارساست که

می‌خواست ترجمه‌ای از رساله قشیریه داشته باشد. برای این مطلوب از ابوالفتوح عبدالرحمان بن محمد که از خراسان به کرمان آمده بود خواستند تا آن نسخه سقیم را اصلاح کند. فروزانفر براساس مقدمه نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل که قدیم‌ترین موضعی است که از ترجمه ابوعلی عثمانی سخن رانده و تصریح شده است که اجل به ابوالفتوح عبدالرحمان مهلت نداد تا آن نسخه سقیم را اصلاح کند کار کرده است. این دو نفر، یعنی احمد بن محمد پارسا و ابوالفتوح عبدالرحمان نیشابوری، مسبب اصلاح ترجمه ابوعلی عثمانی یا به قولی مترجمان ترجمه دوم شناخته نشدند.

این مطالب از صفحه یک تا صفحه چهار قبل از فهرست مطالب کتاب در تصحیح فروزانفر آمده است. روضاتیان چون نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل را متأخرتر از نسخه ایاصوفیه به حساب آورده است، از آوردن این دیباچه در تصحیح جدید خودداری کرده است. براساس مقدمه نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل (صفحه چهار) رساله قشیریه ۵۵ باب دارد و در تصحیح روضاتیان کتاب ۵۴ باب است. این تفاوت از قسمت اول کتاب نشئت گرفته است. در تصحیح فروزانفر پس از مقدمه مصنف، باب اول در بیان اعتقاد این طایفه در مسائل اصول، و فصل اول در صفحه ۲۲ که ادامه آن باب است بابتی مستقل تلقی شده است، در حالی که در تصحیح روضاتیان این بخش دو فصل بدون شماره ذکر شده و ابواب کتاب از صفحه ۲۱ با عنوان «در ذکر مشایخ بر این طریقت» باب اول، و در تصحیح فروزانفر باب دوم است؛ در نتیجه، ابواب کتاب ترجمه رساله قشیریه در تصحیح روضاتیان ۵۴ باب است.

فروزانفر در تصحیح خود باب اول رساله قشیریه را به علت اغلاط یا حذف‌هایی که داشت به تمامی از نسخه دوم نقل کرده است و از باب سوم تا پنجاه و چهارم (یک باب مانده به آخر کتاب) نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل را مبنا قرار داده است و از نسخه موزه بریتانیا به منزله نسخه بدل، جز در مواردی که نسخه دوم مرجح به نظر می‌رسید، استفاده کرده است. فروزانفر در ادامه شیوه تصحیح خود به علت این که برخی عبارت‌های عربی در نسخه اساس ترجمه نشده بود و قصد این که متن تصحیح شده تا حد امکان به متن عربی رساله قشیریه نزدیک‌تر باشد، هر عبارتی را که در نسخه مترجم مذکور ترجمه نشده بود در [...] قرار داد. هم‌چنین، او اذعان می‌دارد که نسخه عربی‌ای که در دست مترجمان بوده هم بی‌غلط نبوده یا مترجمان غلط خوانده و به تبع، نادرست ترجمه کرده‌اند. فروزانفر در مواردی این چنین در حاشیه، عین عبارت‌های عربی رساله قشیریه را آورده و دیگر بار متن عربی را خودش ترجمه کرده است. این روش فروزانفر در تصحیح متونی که در قدیم

ترجمه شده‌اند، چون مترجم نسخه اصیل و منقحی در اختیار نداشته و متن ترجمه بی‌ایراد نیست، روشی ایده‌آل است (مایل هروی ۱۳۶۹: ۲۹۳). برای نمونه، در صفحه ۳۶۰ و ۳۶۱ متن فارسی چنین است: «و گفته‌اند جوان‌مردی نبود بر دوستان سودکردن».

[یکی بود از دوستان ما، نام وی احمد بن سهل التاجر از وی خُزْمه کاغذ خریدم و بها ستد سرمایه، و سود نخواست گفتم سود نستانی گفت بها بستانم و سود البته، نه از آن‌که با تو خلقی کرده باشم، ولیکن از جوان‌مردی نبود بر دوستان سودکردن.]

فروزانفر در استناد به متن عربی رساله قشیریه از چاپ مصر طبع مطبعة مقدم و شرح زکریا، طبع بولاق ۱۲۹۱ و شرح گیسودراز، طبع حیدرآباد دکن کمک گرفت که هیچ‌یک از آن‌ها عاری از غلط نیست (قشیری ۱۳۶۷: ۷۷-۷۸). فروزانفر برای روشن‌تر شدن بخش دوم عبارت‌های فارسی متن در ذیل صفحه اصل عبارت‌های عربی را چنین نقل کرده است: «اما الثمن فأخذ ولا احمك منة لأنه ليس له من الخطر ما اتخلق به معك ولكن لا أخذ الربح إذ ليس من الفتوة ان تريح على صديقك؛ گفت بها بستانم و بر تو متی نهم، زیرا آن‌را آن‌مايه قدر و خطر نیست که با تو خوری نیک خود فرا نمایم، ولی سود نستانم زیرا بر دوستان سودکردن از جوان‌مردی نباشد» (همان).

فروزانفر به منبع عربی این عبارت‌ها اشاره نکرده است، عبارت‌ها فاقد حرکت‌گذاری و نشانه‌های سجاوندی است. «فتوت» در چاپ روضاتیان باب سی‌وسوم است. عبارت‌ها را از چاپ یادشده نقل می‌کنیم.

و گفته‌اند: از فتوت نبود که بر درویشان سود کنی.

یکی بود از دوستان ما، نام او احمد بن سهل التاجر، خُزْمه‌ای کاغذ از وی خریدم. بهایش فرانسند، الا که سرمایه. گفتم چرا سود نکنی؟ گفت: بها فراستانم و متی برنهم که این را بس خطری نیست و بر دوستان سودکردن از مروت نباشد (قشیریه ۱۳۹۶ الف: ۳۵۱).

فروزانفر آغاز تا پایان این بند و بند بعد از آن را در صفحه ۳۶۱ داخل [...] قرار داده است، یعنی این عبارت‌ها در نسخه کتاب‌خانه لالا اسماعیل (= نسخه اساس) تصحیح او نیست؛ پس این عبارت‌ها را از نسخه دیگر، یعنی نسخه موزه بریتانیا، آورده است. یعنی نسخه‌ای که با نسخه ایاصوفیه مقابله و سنجیده شده است. ما روایت فروزانفر را چنان‌که خود اظهار کرده است، نسخه (مب) لحاظ می‌کنیم و باید ضبط روایت او به‌منزله نسخه‌بدل در تصحیح روضاتیان آمده باشد، درحالی‌که برای این بند هیچ نسخه‌بدلی در تصحیح نشر سخن ارائه نشده است. بنابراین، یا تطبیق دقیق نیست یا فروزانفر از نسخه‌ای جز نسخه (مب) این بند را روایت کرده است.

مصصح رساله قشیریه در نشر سخن در صفحه ۴۹ می‌گوید که از متن عربی رساله قشیریه برای رفع کاستی‌های دو نسخه که از آن‌ها در تصحیح استفاده کرده، بهره گرفته است. ما در تمامی صفحه‌های تصحیح یادشده هیچ نمونه‌ای که جمله‌ای، ترکیبی، یا عبارتی براساس متن عربی رساله قشیریه تصحیح شده باشد نمی‌بینیم. درحالی‌که مصصح در مقاله خود اظهار می‌دارد: «در تصحیح متنی که ترجمه مستقیم از عربی است مراجعه به متن اصلی ضروری به نظر می‌رسد» (روضاتیان و میرباقری فرد ۱۳۸۹: ۸۹). این احساس غبن زمانی بیش‌تر احساس می‌شود که همکار روضاتیان در این تصحیح، مصحح متن عربی رساله قشیریه چاپ شده در نشر سخن است. حتی اگر سه چاپ دیگر عربی رساله قشیریه را نادیده بگیریم. ولی فروزانفر به‌طور مکرر به متن عربی رساله قشیریه استناد می‌کند و گاهی عبارت‌های عربی را هم خود به فارسی ترجمه می‌کند (قشیری ۱۳۶۷: ۶۸۱، ۶۹۰، ۶۹۸، و...). نسخه لالا اسماعیل در رساله قشیریه چاپ نشر سخن در صفحه ۴۸ مقدمه به‌منزله نسخه کمکی معرفی می‌شود، ولی در سراسر متن نشانی از آن نمی‌توان یافت. تفاوت‌های ضبط این بند در دو تصحیح چنین است:

۱. شیوه تدوین هر دو تصحیح یکسان است، جمله‌ای در صدر و بند بعدی دنبال آن می‌آید؛

۲. تفاوت فاحش دیگر رعایت نکردن نشانه‌های نگارشی است که در تصحیح روضاتیان به‌صورت دقیق‌تری آمده است؛

۳. رسم‌الخط نسخه تصحیح فروزانفر به نسخه اساس نزدیک است و عبارت «از وی حزمه کاغذ خریدم» در تصحیح روضاتیان به‌شیوه امروزی «حزمه‌ای» ثبت شده است. رسم‌الخط فروزانفر در کتابت «ای» به‌شکل همزه روی «ه» است. در صفحه ۶۹۱ آمده است: «گفت: سبحان الله آمرزیده (= آمرزیده‌ای) کفن آمرزیده (= آمرزیده‌ای) باز کند». در عبارت یادشده قرائت به‌صورت اضافی هم درست است. یعنی «حزمه کاغذ». فروزانفر درباره رسم‌الخط هر دو نسخه سکوت کرده، ولی روضاتیان در صفحه ۴۶ درباره رسم‌الخط نسخه ایاصوفیه و در صفحه ۴۷ درباره رسم‌الخط نسخه موزه بریتانیا به نکاتی اشاره کرده و درباره رسم‌الخط نسخه لالا اسماعیل سکوت کرده است.

تفاوت‌های ضبط واژگان این دو نسخه (= ایاصوفیه، نسخه اساس روضاتیان، و لالا اسماعیل، نسخه اساس فروزانفر) چنین است<sup>۱</sup>:

ف (نام وی احمدبن) ر - م (نام او احمدبن).



ف (و بها سند سرمایه، و سود نخواست). ر - م (بهایش فرانسند الا که سرمایه).

ف (گفتم سود نستانی گفت بها بستانم و سود البته، نه) ملاحظه می‌کنیم که اگر ویرگول بعد از حرف نفی (= نه) می‌آمد، بهتر بود. در این قرائت «بستانم» به قرینه لفظی حذف شده است، ولی ادامه عبارت این معنی را رد می‌کند، چون عبارت بعدی حاکی از دریافت نکردن سود است. «از جوان مردی نبود بر دوستان سود کردن» عنوان این بند هم تأکید بر این معنی است. «از جوان مردی نبود...» بنابراین «نه» بی‌فصله و مکث بعد از البته بیاید بهتر است.

ر - م (گفتم: چرا سود نکنی؟ گفت: بها فراستانم). جمله بعدی در این تصحیح یعنی «و متی برنهم که این را بس خطری نیست» تفاوت قدری چشم‌گیرتر است.

نمونه دیگر مثلاً در باب پنجاه و سوم چاپ فروزانفر در صفحه ۶۸۰ بند آخر صفحه: «حامد الاسود...» و بند بعد است. در چاپ روضاتیان باب پنجاه و دوم صفحه ۵۶۸ «حامد اسود گوید: ...» و بند بعد در همان صفحه.

ترکیب «خُلُفی کردن» از تعبیرهای کهن در متون صوفیه و رایج بوده است و به معنی «نیکویی کردن» است و در متون فارسی صوفیه نزدیک به زمان ابوالقاسم قشیری آمده است: «شیخ گفت: هر که راه خُلُق رود همه چیزها به خُلُق پیش او بازآید، چنانکه ابراهیم بود صلوات الله علیه که راه او خُلُق بود، لاجرم آتش به خُلُق او پیش او بازآمد» (محمد بن منور ۱۳۶۷: ۱۸۳-۱۸۴).

عبارت بعد در تصحیح فروزانفر چنین است: «ولیکن از جوان مردی نبود بر دوستان سود کردن». در تصحیح روضاتیان ضبط این عبارت چنین است: «و بر دوستان سود کردن از مروت نباشد».

هیچ‌یک از دو مصحح برای این بند نسخه‌بدلی نداده است. چنان‌که گذشت، فروزانفر فقط یک نسخه‌بدل یعنی نسخه «مب» را در اختیار داشته و طبق اظهار خود در میانه کار مینوی از نسخه ایاصوفیه برایش عکس گرفته و در اختیارش قرار داده است. ممکن است تصور کنیم صفحه ۳۶۰ از کتاب ۷۵۰ صفحه‌ای هنوز آن میانه‌ای نبوده که او نسخه ایاصوفیه را در اختیار گرفته است. چنان‌که گفتیم، فروزانفر این بند را در قلاب قرار داده که حاکی از نبود آن در نسخه لالاسماعیل است. پس این بند فقط از نسخه «مب» نقل شده و در تصحیح روضاتیان این تفاوت‌ها منعکس نشده است؛ درحالی‌که نسخه اساس او، یعنی نسخه ایاصوفیه، با نسخه «مب» مقابله شده است و از نسخه لالاسماعیل به منزله نسخه کمکی بهره گرفته و حتی اشاره‌ای به نبود این بند در این نسخه هم نیست.

در تصحیح فروزانفر کاملاً مشخص است که نسخه کتاب‌خانه لالا اسماعیل اساس است و با نسخه موزه بریتانیا مقابله شده است. نگارنده این سطور تا آخر کتاب تمامی پاورقی‌ها را جست‌وجو کرد تا نشانی از نسخه ایاصوفیه در تصحیح فروزانفر بیابد، ولی موفق نشد؛ ولی چنان‌که گذشت، فروزانفر متن مصحح خود را به‌طور مکرر با نسخه چاپی عربی متن فارسی تطبیق داده است. او در صفحه ۷۸ مقدمه اشاره می‌کند که پس از سفر به عراق در تابستان سال ۱۳۴۴ نسخه نفیس بغداد را که بر مصنف قرائت شده، در اختیار گرفته و از صفحه ۲۷۴ در تصحیح خود از آن بهره‌مند شده است. نسخه بغداد در شوال ۴۸۴ هجری با نسخه دیگر مقابله شده است. نسخه بغداد در سال‌های اخیر اساس تصحیح دو چاپ از کتاب رساله قشیریه شده است. نخست، چاپ انتشارات هرمس با تصحیح و تطبیق مهدی محبتی در سال ۱۳۸۱ که با نسخه کتاب‌خانه حوزه علمیه امام صادق (ع) اردکان شماره ۲۳۱ کتابت سال ۵۴۴ هجری مقابله شده که در چاپ محبتی به‌منزله نسخه اردکان معرفی شده است. این نسخه از رساله قشیریه نسخه‌ای نفیس است و متأسفانه، نشر مجمع ذخائر اسلامی در سال ۱۳۹۶ فاکسیمیل آن را بدون مقدمه و فهرست در شمارگان محدود در اختیار محققان قرار داد. برای مقایسه چاپ‌های مختلف رساله قشیریه و نحوه ترجمه رساله قشیریه یک پاراگراف دیگر را با هم می‌سنجیم.

و قيل: ليس من الفتوة أن تريح علي صديقك. قال بعض اصقائنا.

و كان فتىً يسمي «أحمد بن سهل» التاجر، و قد اشترت منه خرقة بياض فأخذ الثمن رأس ماله فقلت له لا تأخذ ربحاً؟ فقال: اما الثمن فأخذ، ولا املك منه، لأنه ليس له من الخطر ما اتخلق به معك، ولكن أخذ الربح، إذا ليس من الفتوة أن تريح علي صديقك.

این پاراگراف از چاپ هرمس تصحیح محبتی و براساس قدیم‌ترین نسخه رساله قشیریه (نسخه بغداد) و نسخه کمکی (نسخه اردکان) است.

رساله قشیریه چاپ میرباقری فرد و زهره نجفی در نشر سخن هم براساس نسخه بغداد تصحیح شده است. در عنوان بند در چاپ محبتی «قاله» و چاپ میرباقری فرد «قال» روایت شده است. نسخه «کز» یعنی فاکسیمیل مجمع ذخائر اسلامی «قاله»، محبتی «احمد بن سهل» را داخل گیومه قرار داده، یعنی همان کاری که عبدالحلیم محمود در چاپ ۱۴۲۳ هجری کرده است، حال آن‌که منطقی‌تر این است که «احمد بن سهل التاجر» داخل گیومه باشد. «رأس ماله» در هر سه چاپ عربی یکسان است. نسخه «سل» یعنی کتاب‌خانه سلیمانیه در

چاپ میرباقری فرد «رأس المال» روایت و ضبط شده است. عبدالحلیم محمود «فأخذه» روایت کرده (قشیری ۱۴۲۳ ق: ۳۶۶).

نشانه‌های نگارشی و سجاوندی در هر سه چاپ متفاوت است. یک واژه مهم که ممیز معنی است در هر سه چاپ عربی خطا ثبت شده است، یعنی واژه «خرقة» را هر سه مصحح یکسان ثبت کرده‌اند و این خطا فاحش است. ملاحظه کردیم که فروزانفر در تصحیح ترجمه رساله قشیریه براساس نسخه کتابخانه لالا اسماعیل «حزمه» و روضاتیان هم که براساس نسخه ایاصوفیه روایت کرده «حزمه» ثبت کرده است.

تصحیح متن براساس منابع کمکی غیر از متن موردنظر یکی از راه‌های رسیدن به ثبت اصیل‌تر متن است. روضاتیان، چنان‌که پیش‌تر گذشت، از این روش خیلی کم استفاده کرده یا اصلاً استفاده نکرده است. حتی در فهرست منابع تحقیق در رساله قشیریه چاپ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سال ۱۳۸۴ مورد غفلت واقع شده است.

اخیراً چاپ متفحی از رساله قشیریه را دارالمنهاج به‌کوشش انس محمد عدنان الشرفاوی به بازار عرضه کرده و ترکیب موردنظر «حزمه بیاض» است. در این چاپ «لا تأخذ ربها»، «ألا تأخذ ربها» که صحیح‌تر است روایت شده و «ألا احمک منة»، «و لا أقلدک منة» روایت شده که این ضبط هم اصیل‌تر است. تفاوت عبارت اخیر ناشی از نسخه اساس چاپ دارالمنهاج هم است. ویژگی ممتاز این چاپ اخیر فاخر جز نفاست، دقت در حرکت‌گذاری، رعایت دقیق نشانه‌های سجاوندی و علائم نگارشی، ارائه نسخه‌بدل‌های متعدد، توضیح مختصر برخی واژگان و اصطلاحات در پاورقی، و مهم‌تر از همه فهرست‌های متعدد و بسیار مفیدی است که به کتاب اضافه شده است.

یک بند دیگر را از کتاب ترجمه رساله قشیریه در چاپ‌های مختلف مقایسه می‌کنیم.

ذوالنون گوید استغفار بی‌آنک از گناه بازایستی توبه دروغ زنان بود.

ابن یزدانیا را پرسیدند کی بنده چون با خدای گردد با کدام اصل بیرون آید، گفت آنک هرچه از آن بیرون آمد باز آن نگردد و مراعات کس نکند الا مراعات آنک بازوگشت و سر نگاه دارد از نگرستن بدانچه از او پرهیزیده است، گفتند این حکم آن بود که از وجود بیرون آمده باشد نه حکم آنک از عدم بیرون آمده باشد گفت وجود حلاوت در مستأنف باخر عوض بود از یافتن تلخیها باوّل (قشیری ۱۳۶۷: ۱۴۳).

این بند در چاپ روضاتیان و میرباقری فرد چنین است:

ذوالنون مصری گوید که استغفار بی‌آنکه از گناه بازایستی توبه دروغ‌زنان بود.

ابن یزدان‌یار را پرسیدند که بنده چون با خدای — تعالی — گردد، بر کدام اصل بیرون آید؟ گفت: بر آن اصل که از آنجا بیرون آمده باشد. باز بر آن نگردد و کسی را مراعات نکند الا آن را که با وی گشته باشد و سرنگهدارد از نگرستن بدانچه از وی تبراً کرده باشد. گفتند که این حکم کسی است که از وجود بیرون آمده باشد. حکم کسی که از عدم بیرون آید، چه باشد؟ گفت: وجود حلاوت در مستأنف عوضی بود از مرارت در سالف (قشیری ۱۳۹۶ الف: ۱۵۵).

ملاحظه می‌کنیم که فارغ از نشانه‌های نگارشی که در چاپ روضاتیان دقیق‌تر است، تفاوت دو چاپ در مفردات و ترکیب‌ها و نحو جمله چشم‌گیر است.

ف (بی‌آنک) ر - م (بی‌آنکه) ف (دروغ زنان) ر - م (دروغ‌زنان)

ف (پرسیدند کی) ر - م (پرسیدند که).

ف (گفت آنک هر چه از آن بیرون آمد باز آن نگردد و مراعات کس نکند، الا مراعات آنک بازو گشت).

ر - م (گفت: بر آن اصل که از آنجا بیرون آمده باشد باز بر آن نگردد و کسی را مراعات نکند، الا آن را که با وی گشته باشد). در نسخه بدل «مب» «بازان» اصیل‌تر است.  
ف (ازو پرهیزیده است). ر - م (از وی تبراً کرده باشد). ضبط با نسخه «مب» یکی است.

ف (گفتند این حکم آن بود که) ر - م (گفتند که این حکم کسی است که) نسخه بدل «مب» «+ را» یعنی حکم کسی راست اصیل‌تر می‌نماید.

ف (نه حکم آنک از عدم بیرون آمده باشد) ر - م (حکم کسی که از عدم بیرون آید، چه باشد؟) نسخه بدل «مب» «چگونه بود» اصیل‌تر می‌نماید.

ف (گفت وجود حلاوت در مستأنف بآخر عوضی بود از یافتن تلخ‌ها به اول).

ر - م (گفت: وجود حلاوت در مستأنف عوضی بود از مرارت در سالف).

جز تفاوت ضبط مفردات مانند «بی‌آنک» در برابر «بی‌آنکه» و «پرسیدند کی» در برابر «پرسیدند که» و ترکیب «باز آن نگردد» و «بازو گشت» «باز او گشت» و «پرهیزیده است» در برابر «تبراً کرده باشد» بدون لحاظ عوامل دیگر نسخه‌شناسی به نظر می‌رسد ضبط مفردات و ترکیبات و حتی ساختارهای نحوی در ضبط فروزانفر یا همان نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل کهن‌تر است.

اصل عربی این پاراگراف را از چاپ هرمس (براساس نسخه بغداد) نقل می‌کنیم.

«و قال ذوالنون. الاستغفار من غیر اقلاع توبه الكذابين»

سمعت محمد بن الحسين يقول: سمعت النصرآبادی يقول: سمعت ابن یزدانیار يقول، و سئل عن العبد إذا خرج الى الله على أى اصل يخرج؟ فقال: على أن لا يعود الى ما منه خرج ولا يراعى غير من اليه خرج. و يحفظ سره عند ملاحظه ما تبرأ منه. فقيل له: هذا حكم من خرج عن وجود، فكيف حكم من خرج عن عدم؟

فقال: وجود الحلاوة في المستأنف عوضاً عن المرارة في السالفه (قشیری ۱۳۹۱: ۱۴۱).

دو چاپ عربی دیگر از این بند حتی در نشانه‌گذاری همانندند (قشیری ۱۴۲۳ ق؛ قشیری ۱۳۹۲: ۱۱۸). چاپ دارالمنهاج هم فارغ از حرکت‌گذاری و چاپ رنگارنگ آن و نشانه‌گذاری دقیق در ضبط متن فاقد امتیاز خاصی است (قشیری ۱۴۳۸ ق: ۳۰۲).

به نمونه‌ای دیگر از ضبط اصیل‌تر واژه‌های نسخه کتاب‌خانه لالاسماعیل اشاره می‌کنیم. در باب پنجاه و سوم چاپ فروزانفر در اثبات کرامات اولیا، خواهر ابوعلی رودباری از زیتونه خادمه نوری که چند شیخ دیگر را خدمت کرده بود، نقل می‌کند که در روزی سرد از نوری پرسید چه می‌خوری؟ گفت: نان و شیر. زیتونه برایش آورد. نوری در کنار آتش نشسته بود و زغال را به دست می‌گرفت تا برافروزد.

دست او از آن سیاه شده بود و شیر که در پیش او نهاده بود از آن سیاه می‌شد. من با خویشتن گفتم چه بشحشم‌اند اولیاء تو، در میان ایشان یکی پاکیزه نیست، پس بیرون آمدم از نزدیک او ... (قشیری ۱۳۶۷: ۶۸۱).

این حکایت در چاپ روضاتیان در باب پنجاه و دوم به جای «شیر»، «ماست» روایت شده: می‌خورد و ماست از دست وی می‌چکید و آن سیاهی انگشت با آن به هم درمی‌شد. من با خویشتن گفتم: خدایا، قدر اولیاء پیش تو بزرگ است، چون است که یکی از ایشان پاکیزه نبینم؟ این بگفتم و بیرون آمدم (قشیری ۱۳۹۶ الف: ۵۶۸).

به نظر می‌رسد که ضبط نسخه لالاسماعیل، یعنی نسخه مبنای تصحیح فروزانفر، کهن‌تر باشد. ضبط دشوار و نامأنوس «بشحشم» هم می‌تواند دلیل آن باشد. به زعم برخی، هرچه ضبط واژه نامأنوس‌تر باشد، اصیل‌تر است.

عبارت‌های یادشده ترجمه فارسی این بند است.

«فقلتُ فی نفسی: ما أقدر اولیاءک یارب! ما فیهم احدٌ نظیف» (قشیری ۱۴۲۳ ق: ۵۵۱). در چاپ محبتی عبارت عربی چنین است: «فقلتُ فی نفسی: ما أقدر اولیاء یارب ما أقدر اولیاءک [کذا] فیهم نظیف» (قشیری ۱۳۹۱: ۴۵۹). ملاحظه می‌کنیم که صورت صحیح باید همان ضبط عبدالحلیم محمود باشد. یا دست‌کم چنین باشد «ما احد اولیاءک فیهم نظیف» در چاپ میرباقری فرد و زهره نجفی «فقلتُ فی نفسی: ما [۱۹۴ ب] یارب ما أقدر اولیاءک ما فیهم نظیف» (قشیری ۱۳۹۲: ۴۸۰) ثبت شده است. ضبط چاپ دارالمنهاج شبیه چاپ عبدالحلیم محمود است (قشیری ۱۴۳۸ ق: ۷۴۰). ملاحظه می‌کنیم که با اساس قراردادن یک نسخه چاپ‌های مختلف چه‌قدر تفاوت دارند.

مجتبی مینوی مقاله‌ای دارد با عنوان «بخششم یا بچشم» که در آن از تحفة‌العراقین یا ختم‌الغرائب خاقانی و سنایی شواهدی آورده که این واژه به معنی «پلید و پلشت» است و در احیاء‌العلوم معادل «قدر» است. در نظر مینوی، کاربرد این کلمه قبل از قرن ششم و هفتم است و از این قرن به بعد متروک شده است (مینوی ۱۳۴۹). یوسف عالی عباس‌آباد هم در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به ختم‌الغرائب قدیم‌ترین نسخه تحفة‌العراقین» این مطلب را بررسی کرده است (عالی عباس‌آباد ۱۳۸۴).

در تفسیر الفاظ در ذیل «وقت» آمده است «و از جمله سخنان ایشان است که: "الوقت سیفٌ قاطعٌ" یعنی وقت چنان، که شمشیر برآن است، بر آنچه حق او را همی راند غالب است. و گویند شمشیر تیز ماسیدن، نرم بود ولیکن کنارش برآن بود (قشیری ۱۳۹۶ الف: ۱۰۷). «شمشیر تیز ماسیدن» مطابق نسخه «مب» است. به نظر می‌رسد که این ترکیب «به برماسیدن» باشد و عبارت چنین تصحیح شود: گویند شمشیر به برماسیدن نرم بود ولیکن کنارش برآن بود. شواهد و مشتقات ماسیدن از لغت‌نامه دهخدا/اغلب ناظر به آثار متأخر است، جز یک شاهد که از ذخیره خوارزمشاهی است: وهرگاه او را بسایند به روده‌ها اندر ماسد و بخراشد (دهخدا ۱۳۷۷: ذیل مدخل «ماسیدن»)، درحالی‌که ذیل «برماسیدن و برماس» اغلب شواهد از متون متقدم‌اند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

چاپ‌های متعددی از ترجمه رساله قشیری وجود دارد. نخستین بار فروزانفر این کتاب را تصحیح کرده است. اخیراً، نشر سخن با این توجیه که فروزانفر در تصحیح ترجمه رساله قشیری به دچار سهو در روش شده و دو نسخه از دو ترجمه مختلف را با هم سنجیده است،

قوت و ضعف تصحیح جدید ترجمه رساله قشیریه (علیرضا حاجیان نژاد) ۱۲۵

تصحیحی دیگر از ترجمه رساله قشیریه ارائه کرده است. مصححان نشر سخن هیچ استدلالی برای این ادعای خود نیاورده‌اند. برعکس با قطعیت می‌توان گفت که نسخه کتاب‌خانه لالا اسماعیل قدیمی‌ترین نسخه موجود این ترجمه است و همین نسخه اساس کار فروزانفر بوده است. هم‌چنین، تصحیحی که نشر سخن ارائه کرده در برخی از موارد دچار خطاهای فاحشی چون حذف ابیات و مصراع‌ها، جمله‌های دعایی، و ... است که در متن به آن‌ها اشاره شد.

## پی‌نوشت

۱. حرف «ف» مخفف فروزانفر و حرف «ر» مخفف روضاتیان و حرف «م» مخفف میرباقری فرد است.

## کتاب‌نامه

ابن الانباری، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۷۰)، *البلغة فی الفرق بین المذکر و المونث*، حقه و قدم له و علق علیه الدكتور رمضان عبدالنواب، الاستاذ المساعد للدراسات اللغوية بکية الآداب، جامعة عين شمس، قاهره: مطبعة دارالکتب.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.

رضایتی گیشه خالد محرم (۱۳۸۴)، *تحقیق در رساله قشیریه با تأملی در افکار و آثار امام قشیریه*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

روضاتیان، سیده‌مریم (۱۳۸۶)، «کاستی‌های ترجمه و تصحیح رساله قشیریه»، نشریه علمی — پژوهشی گوهر گویا، دوره ۱، ش ۱.

روضاتیان، سیده‌مریم (۱۳۹۲)، «ماجرای تصحیح ترجمه رساله قشیریه»، *مجله متن‌شناسی ادب فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، س ۴۹، ش ۲.

روضاتیان، سیده‌مریم و سیدعلی اصغر میرباقری فرد (۱۳۸۹)، «رساله قشیریه»، *نشریه ادب و زبان*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، ش ۲۷ (پیاپی ۲۴).

روضاتیان، سیده‌مریم و سیدعلی اصغر میرباقری فرد (۱۳۹۶)، «اهمیت نسخه ایاصوفیا در تصحیح ترجمه رساله قشیریه»، *مجله متن‌شناسی ادب فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره جدید، ش ۲.

شافعی، محمد بن ادريس (۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۴ م)، *دیوان الامام الشافعی*، جمعه و علق علیه، محمد عقیف الزعبی، دارالجلیل، بیروت: الطبعة الثالثة.

عالی عباس آباد، یوسف (۱۳۸۴)، «نگاهی به ختم الغرائب؛ قدیم‌ترین نسخه تحفة العراقرین»، *فصل‌نامه دانشگاه تربیت معلم آذربایجان*، س ۲، ش ۶.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۶۷)، ترجمه رساله قشیریه با تصحیحات و استدراکات بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۸۷)، رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی حسن ابن احمد عثمانی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، شرح حال استاد فروزانفر و مأخذ ابیات عربی از احمد مهدوی دامغانی، ویراسته ایرج بهرامی، تهران: زوار.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۹۱)، رساله قشیریه، تصحیح مهدی محبتی، تهران: هرمس.  
قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۹۲)، الرسالة القشیریه، شرح احوال، تحلیل آثار، تصحیح و تعلیق سیدعلی اصغر میرباقری فرد و زهره نجفی، تهران: سخن.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۴۳۸ ق / ۲۰۱۷ م)، الرسالة القشیریه، عُنًی به أنس محمد عدنان الشرفاوی، طبعة فريدة محققة، مخرجة، اعتمدت علی اثنتی عشرة نسخة خطیة اثنائه منها منقولتان عن اصلٍ علیه خط المؤلف مع الفهارس العامة، قاهره: دارالمنهاج.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۹۶ الف)، ترجمه رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی بن احمد العثماني، تصحیح سیده‌مریم روضاتیان و سیدعلی اصغر میرباقری فرد، تهران: سخن.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۹۶ ب)، الرسالة القشیریه، چاپ عکسی، براساس نسخه کتاب‌خانه حوزة علمیه امام صادق (ع)، اردکان، ش ۲۳۱، کتابت سال ۵۴۴ هجری، قم: مجمع ذخائر اسلامی.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۳ م)، الرسالة القشیریه فی علم التصوف، للامام العارف بالله أبي القاسم القشیری، تحقیق و تعلیق، فضیلة الامام الاکبر العارف بالله، الشیخ عبدالحلیم محمود، تقدیم، الدكتور علی ابوالخیر، بیروت: دارالخير لطباعة والنشر والتوزيع.

مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، تقد و تصحیح متون، مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.

میبدی، رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۶۱)، کشف الاسرار و عدة الابرار، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.

مینوی، مجتبی (۱۳۴۹)، «بشخشم یا بچخشم»، مجله راه‌نمای کتاب، ج ۱۳.